



آخت جادوی بی‌یاور: تصویر اهریمن و پیدایش فرشگرد در داستان «مادیان یوشت فریان»

ماتیاس واین‌رایش - دپارتمان مطالعات ایرانی دانشگاه YSU، ایروان

مادیان یوشت فریان^۱ اثری از ادبیات زرتشتی است که به زبان فارسی میانه در حدود سده‌ی نهم میلادی نوشته شده است.^۲ این اثر متشکل از چیستان‌هایی است که در یک قالب داستانی پرتکاپو گنجانده شده‌اند، و عناصر اصلی این داستان را می‌توان در اوستا (یشت ۵. ۸۱-۸۳) پی گرفت. این اثر به قصد آموزش نوشته شده، و روایت‌اش به روشی سرگرم‌کننده شرح می‌دهد که جوانی خردمند و خداترس به نام «یوشت فریان» چگونه در هوش و ترفند بر جادوگری شرور به نام «آخت جادو» چیره می‌شود. طی این روایت، یوشت پیوسته در خطر مرگ قرار دارد، لیک پیروزمندانه ۳۳ چیستانی را پاسخ می‌گوید که دشمن بی‌رحمش طرح می‌افکند. آنگاه، پهلوان جوان داستان ما، در یک پاتک سه پرسش از جادوگر می‌پرسد که جادوگر نمی‌تواند به تهایی از پس پاسخگویی به واپسین پرسش برآید. پس آخت جادو برای نجات جان‌ش شتابان به دوزخ می‌رود، و در آن‌جا درخواست کمک دیوآسا می‌کند. لیک پشتیبان او، اهریمن نشان می‌دهد که میل ندارد به پرسش‌های آخت پاسخی دهد. آخت که هیچ پاسخی در چننه ندارد به نزد یوشت بازمی‌گردد، شکست را می‌پذیرد و بنا بر قواعد این پیکار کشته می‌شود.

سه پرسش واپسینی که یوشت فریان برای جادوگر طرح می‌کند این‌هايند:

مادیان یوشت فریان (۳۶۹-۳۷۰): به چه ارزد یک قطعه زمين و مشتی بذر؟ به چه ارزد ورزایی بهر شخم‌زدن؟ (۳۷۰-۳۷۲) به چه

ارزد کردار شایسته‌ی خویدوده (هم‌دوده آمیزی)؟^۳ (نک. به تکرار همین پرسش در مادیان یوشت فریان ۳۸۰-۳۸۳)

چنانکه پیداست، کلید فهم این پرسش‌ها معنای دقیق واژه‌ی فارسی میانه‌ی «ارز» [arz] به معنی «بها، ارزش» است (مک‌کنزی، ۱۹۷۱، ۱۱). در بستر داده‌شده، ارز [arz] به منزله‌ی یک اصطلاح فنی استفاده شده و حاکی از ارزشی معنوی است که به خاطر اهمیت کشاورزی [خیش کشیدن برای کشاورزی]، بذرها، ورزا، و خویدوده در نبرد آدمی علیه شر، به آن‌ها نسبت داده شده است.^۴ برای یک زرتشتی، شناخت ارزش معنوی موجودیتی دینی (یک شیء فیزیکی، یک ایده، یا یک کنش) به معنای فهم این مسئله است که روی‌دادن آن موجودیت دینی، اجرای‌اش، یا حذف‌شدن‌اش چقدر نیرومند

^۱ Text-critical editions of the MJF by: West 1872 (see also Haug, West 1874); Ja'farī 1987; Geybī 1988; Weinreich 1992, 1994; Cantera, Toledo 2006. An Armenian translation (1958) and glossary was published by R. Abrahamian.

^۲ همچون بیشتر نوشته‌های فارسی میانه، مادیان یوشت فریان نیز اطلاعاتی ورای جنبه‌های زبان‌شناختی که خبر از زمانه‌ی نگارش اثر به دست دهد در اختیارمان نمی‌گذارد. تاریخ‌گذاری پیشنهادی درباره‌ی دیرینگی این نوشته در سده‌ی نهم میلادی مبتنی بر دو نظرگاه است: (۱) بیشتر نوشته‌های فارسی میانه‌ی در دسترس در حدود همین دوره‌ی زمانی نوشته شده‌اند، دوره‌ای که طی آن فعالیت‌های ادبی زرتشتی در ایران یکجور احیای موقتی را تجربه کردند؛ (۲) زبان فارسی میانه‌ی مادیان یوشت فریان شامل شماری از خصیصه‌هاست که گواهی بر تاثیر زبان‌شناختی فارسی نو هستند، برای نمونه، کاربرد فعل *šudan* به معنای «شدن» (۱۱۸، ۱۲۹، ۲۹۳)، کاربرد پسوند جمع *-ihā* (= «اینها») در این نوشته (۴۴، ۳۸۴، ۳۸۸)، کاربرد *rāy* (= رای) به عنوان نشانه‌ی مفعولی مستقیم (۳۵، ۱۹۴، ۲۷۳، ۲۸۷، دیگرها)، کاربرد *tuwān* به معنای «توانستن/توانایی» به عنوان فعل مسند (۳۸۵)، کاربرد *čiyōn ka*، به معنای «وقتی که» یا «چون که» به عنوان کلمه‌ی ربط زمانی (۵۹)، جانشینی ساخت ارگاتیب با ساخت فعال (۶۵-۶۶، ۳۸۸-۳۸۹، ۴۰۲-۴۰۳). تاریخ‌گذاری مشابهی درباره‌ی این نوشته بر مبنای ویژگی‌های زبان‌شناختی نیز پیشنهاد شده (Cantera, Toledo 2006, 69-70). کهن‌ترین نسخه‌های تاریخ‌گذاری‌شده‌ی مادیان یوشت فریان به ترتیب در سال‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۲۱ میلادی در هند رونوشت‌برداری شده‌اند (Weinreich ۲۰۰۶ and K ۵۱M, see ۱۹۹۲، ۴۵).

^۳ MJF related text quotes and paragraphing in this article refer to Weinreich 1992, 1994.

^۴ دیگر موجودیت‌های دینی که *arz* یا «ارزش معنوی» [مینوی؟] در آن‌ها در نوشته‌های فارسی میانه مورد بحث قرار گرفته شامل اینهاست: کردارهای شایسته (*kirbag*؛ کرفته)، آتش وهرام، باران، و هواداران دین بهی (*wehān*؛ وهان یا بهان)، بهدین مزدیسنان (*wehdēn ī māzdēsān*). افزون بر این، دینکرد ۸. ۲۵-۱ (DkM 729.7-7) cf. درباره‌ی وجود متنی به نام ارزستان (*Arzestān*) خبر می‌دهد، ترجمه‌ی پهلوی (و اینک گمشده‌ی) بخشی (گمشده) از اوستا که شامل اینها بوده: «... نکات اساسی درباره‌ی ارزش‌داری‌های جاندار و بی‌جان، خوردن، نوشیدن، هر کدام با اطلاعاتی ضروری». (ترجمه از کانتر ۲۰۰۴، ۱۸)؛ درباره‌ی جای‌گرفتن ارزستان در سنت ادبی زرتشتی بنگرید به Klingenschmitt 1968, 79.

بر رستگاری فردی اشخاص پس از مرگشان و بر رستخیز جمعی و واپسین نوع بشر در آخرالزمان تاثیر خواهد گذاشت. بی‌گمان، انتظار می‌رود که مرجعیتی دینی امر به این نوع از دانش تخصصی کند، مرجعیتی که آکنده از موهبت بینش معنوی باشد، و نه مردی پرگزند چون آخت. از این‌رو، غافلگیرکننده نیست که وقتی یوشت فریان به سراغ [طرح پرسش از] آخت می‌رود، جادوگر هیچ پاسخی ندارد.

آخت در جستجوی راه فرار، خود را به زیرین جهان می‌رساند و از سرور و ارباب‌اش، روح شریا اهریمن طلب یاری می‌کند.^۱ اهریمن چیستان‌ها را می‌شنود و پاسخ می‌دهد:

مادیان یوشت فریان (۳۸۴-۳۸۵): نمی‌توانم این پرسش‌ها را پاسخ دهم. (۳۸۷-۳۸۸) زیرا اگر تو را پاسخی دهم، همه‌ی آفرینش‌هایم، چون دیوان، ارواح بد، و ساحران، گیتی را ترک خواهند گفت (۳۸۷-۳۸۸). و من تو را بیش از آن جاندارانم دوست نمی‌دارم. (۳۸۸-۳۹۱) درست همان دم، که من پرسش‌هایت را پاسخ دهم، همه‌ی آفریدگانم سست خواهند شد، و هیچ بدبختی باقی نخواهد ماند. (۳۹۱-۳۹۳) آنجا (در دنیای گیتیانه) این پاسخ‌ها به سود آفرینش هر مزد خواهند بود و بی‌درنگ رستخیز از مرگ، و تعیین‌تن پسین بشر رخ خواهند داد.

برای اینکه ارزش کامل وجه عجیب و غریب سخن اهریمن را دریابیم، اجازه دهید پاسخ وی را بر طبق فاهمه‌ی خودم بازگو کنم: روح شریا همان اهریمن پاسخ درست به سه پرسش را می‌داند، لیک او نمی‌خواهد آن پاسخ‌ها را به آخت بگوید، زیرا می‌ترسد که سخنان او موجب بیرون‌رانده‌شدن همه‌ی آفریدگان شر از جهان مادی یا گیتی شود، و این‌گونه بی‌درنگ موجب برآمدن فرشگرد گردد، که رستگاری واپسین نوع بشر به شمار می‌رود.

دست‌کم دو نکته در این تفسیر وجود دارد، که با تصویر سنتی اهریمن همخوانی ندارند. نخست، این فرض که اهریمن، که به خاطر فرزاندگی یا توانایی‌های خردمندانه‌اش پراوازه نیست، باید بینشی ژرف درباره‌ی موضوعات مربوط به آیین زرتشتی داشته باشد. دو دیگر آن‌که، به نظر می‌رسد که اهریمن، دشمن سوگند خورده‌ی خداوند و آفرینش‌خدا، می‌تواند در جایگاهی باشد که بتواند بر عنصر کلیدی باور زرتشتی و یزدان‌شناسی زرتشتی^۲، و رویدادهای فرجام‌شناختی^۳ پایان زمان تاثیرگذار باشد.

تقریباً نظریه‌ای است که گرچه همه‌ی ویراستاران «مادیان یوشت فریان» سطرهای ۳۸۴ تا ۳۹۳ این نوشته را به شیوه‌ای گردانده‌اند که با گردانش ارائه‌شده در بالا قیاس‌پذیر است، اما هیچ کدامشان کوشش نکردند به تناقض‌ها یا ناهمخوانی‌های مفهومی پیش‌گفته پردازند یا اشاره کنند. با وجود این، پرتو افکندن بر فراز بالا مهم به نظر می‌رسد، نه تنها به این دلیل که تک‌گویی اهریمن نقطه‌ی اوج روایی را تصویر می‌کند که بدون فهم درست آن نمی‌توان ارزش‌های ادبی چارچوب داستانی را به‌تمامی ارزیابی کرد، بلکه چون روشن کردن مفاهیم نهفته در این استدلال اهریمن می‌تواند به گسترش دیدگاه ما درباره‌ی اندیشه‌ی دینی زرتشتی در سده‌های میانی یاری رساند.

^۱ سفر آخت به دوزخ در جستجوی دانش مرتبط با بهدینی یادآور ماجراهای سه شخصیت دیگر است که در منابع زرتشتی به فارسی میانه روایت شده‌اند: (۱) آردا ویراز، شخصیت اصلی ارداویرازنامه، سفری به بهشت و دوزخ می‌رود تا به نیابت از هم‌دینان‌اش دریابد که آیا نیایش‌ها و مراسم‌های ایشان به جهان زیرین رسیده است یا نه، و آیا اهل زیرین جهان به یاری جان‌های ایشان می‌آیند یا نه (cf. Awn 3.1-4, ed. Vahman 1986, 80-81). جالب آنکه، در M51b (که قبلاً H6 خوانده می‌شد)، و در K20 و K26، سه تا از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی دربردارنده‌ی متن مادیان یوشت فریان، در هر سه مورد، متن مادیان یوشت فریان بلافاصله پس از متن ارداویرازنامه می‌آید (cf. Haug, West 1872, iii-xi)، و این شرایط خبر از این می‌دهد که هر دو روایت ممکن است که عمداً و آگاهانه به خاطر شباهت‌های مضمونی با هم یک‌جا دسته‌بندی شده باشند؛ (۲) موبد بلندپایگاه، کردیر، چهره‌ای تاریخی و فعال در دوران آغازی ساسانیان، در کتیبه‌هایش ادعا می‌کند که از بهشت و دوزخ دیدار کرده تا دانشش درباره‌ی آموزه‌های ایزدان راجع به درستی و نادرستی را بهتر کند (cf. Skjaervø 1983, § 2, 10, 3). گفته‌اند که یقه یا جیم، نخست فرمان‌فرمای افسانه‌ای ایران زمین، از دیوان دوزخ جان دوباره گرفت و به نزد آدمیان آورد «سود هر [خدمت] قربانی‌نشده، هر گله‌ی ناپورده، و نیز همه‌ی رونق و رشدی که آفریدگار فرزاندگی درونی به مردمان اعطا کرد» (ترجمه‌ی شاکد، ۲۳۸، ۱۹۸۷b).

^۲ Zoroastrian theology

^۳ Eschatological; آخرت‌شناختی، معادشناختی، آخرت‌شناختی

در ادامه، نخست پس‌زمینه‌ی بافتاری آن دلایلی را بررسی خواهیم کرد که اهریمن برای پاسخ‌ن دادن به پرسش‌های آخت ارائه داده. و سپس، بر اساس نتایج کندوکاو، خواهیم کوشید توصیفی کوتاه از تصویر اهریمن و نقش فرجام‌شناسانه‌ی اهریمن ارائه دهیم، زیرا می‌اندیشیم که احتمالاً نویسنده‌ی «مادیان یوشت فریان» و خوانندگان این نوشته نیز تصویر و نقش فرجام‌شناختی اهریمن را دریافته‌اند. در آغاز، بیایید نگاهی کوتاه به تصویر سنتی اهریمن بیاندازیم.

یک اهریمن نادان

فراگیرترین توصیف از استعدادها و توانایی‌های نیروی شر در فصل یکم بندهشن بزرگتر آمده است، که شرحی است بی‌تاریخ از رویدادهای اسطوره‌ای مرتبط با آفرینش جهان:

بندهشن بزرگتر ۱: (۱) هرمزد فرازپایه، با همه‌آگاهی و بهی، زمانی بی‌کرانه در روشنی می‌بود... (۳) اهریمن در تاریکی، به پس‌دانشی و زدارکامگی ابرخاش‌گری، تعرض، تجاوز، ژرف پایه بود... (۱۳) و هرمزد به همه‌آگاهی دانست که اهریمن هست. (۱۵) اهریمن، به سبب پس‌دانشی، از هستی هرمزد آگاه نبود. (۴۱) اهریمن با هرمزد آفریدگار پیکار کرد. و پیش‌آگاهی و جهان‌گستری و بهی و فناناپذیری هرمزد، و بی‌نیروی و خودبینی و فرومایگی و پس‌دانشی اهریمن پدیدارگشت آنگاه که او آفریدگان را آفرید.^۱

اینجا در کاربست منسجم شاکله‌ی دوگانه‌انگار زرتشتی، اهریمن، نیروی شر، به‌منزله‌ی نقطه‌ی کاملاً مقابل ایزد هرمزد تصویر شده است. در حالی که هرمزد با نور یا روشنی، همه‌آگاهی، فرهی و بهی، و برتری مرتبط است، اهریمن همبسته‌ی فرومایگی، تاریکی، تعرض، و نادانی است. وانگهی، می‌دانیم که این پس‌دانشی اهریمن بود که در آغاز جهان او را از وجود خدا بی‌خبر گذاشت، در حالی که در مرحله‌ای سپسین، ناتوانی او در «پیش‌بینی فرجام کار» (*awēnāg-frazāmīh*؛ آویناگ-فرازامیه) دلیل او بود برای پذیرش پیمان‌بستن با هرمزد بهر تقسیم قدرت، توافقی محدود به نه هزار سال، که مستلزم شکست نهایی اهریمن و نابودی کامل اهریمن است.^۲

بندهش بزرگتر ۱: (۲۷) آنگاه اهریمن به سبب نادیدن فرجام (کار)، بدان پیمان همدستان شد.^۳

ما از خاستگاه‌های نادانی اهریمن بی‌خبریم، گرچه در بندهشن به روشنی و رسایی بر این مسئله تأکید می‌شود. هیچ اشاره‌ای به این مسئله [نادانی اهریمن] در اوستا نمی‌یابیم، گرچه متن‌های اوستا شامل بسیاری موارد از دیگر کاستی‌های اهریمن است.^۴ اینکه انگاردی بی‌دانشی اهریمن [نیروی شر] به هر روی یک انگاردی کهن است، در متن «آیزیس و آزابریس» پلوتارک (سده‌ی ۱ میلادی) نیز جلوه‌گر است، آنجا که گفته می‌شود زرتشت مغ، اُرمَرس [ارمزد]، ایزد نیک کیش خود را با نور و روشنایی قیاس می‌کند و دیو بدکنش یعنی آریمنیوس [اهریمن] را با تاریکی و نادانی (*ἄγνοια*):

پلوتارک، آیزیس و آزابریس (۴۶): زیرا برخی باور دارند که دو خدای هم‌اورد در کارند، چنانکه در هنر، یکی آفریننده‌ی نیکویی و دیگری پدیدآورنده‌ی شر است؛ دیگران نکوتر را خدای و دشمن‌اش را دیو خوانده‌اند، چنانکه برای نمونه زرتشت مغ، که بنا به مستندات ما، پانصد سال پیش از فرازنه‌ی تروایی می‌زیسته، یکی از اینان را هُرمَرس و دیگری را آریمنیوس خوانده و نیز نشان داده که در زمره‌ی چیزهای مربوط به ادراک، نخستین آن‌ها خصوصاً به نور و دومین‌شان برعکس به تاریکی و نادانی (*ἄγνοια*) نزدیک‌اند.^۵

^۱ MP transcription in Cereti, MacKenzie 2003, 32-38.

(گردانش بیشتر بندهای بندهشن را از فارسی‌گردانی مهرداد بهار آورده‌ام، مگر آنجا که فراز یا جمله‌ای را نیافته‌ام - م.ف.)

^۲ درباره‌ی شاکله‌ی هزاره‌ای زرتشتی که بُن و زیربنای تقسیم قدرت میان هرمزد و اهریمن است، بنگرید به: Kreyenbroek 1993; 2002.

^۳ MP transcription in Cereti, MacKenzie 2003, 35.

^۴ برای مطالعه‌ی چکیده‌ای کوتاه درباره‌ی تصویر اهریمن در اوستا و نوشته‌های فارسی میانه بنگرید به: Duchesne-Guillemin 1984; Darmesteter 1877.

^۵ Ed. Bidez; Cumont 2007, 70; translation de Jong 1997, 163-164.

هشت سده بعد، در حدود زمانه‌ی نگارش «مادیان یوشت فریان»، ایده‌ی «اهریمن نادان» باید کماکان به گستردگی مورد پذیرش بوده باشد. چنین نظرگاهی برآمده از این واقعیت است که مردان فرخ هرمزددادان^۱، نویسنده‌ی سده‌ی ۹ رساله‌ی پهلوی شکند گومانیگ و یزار [گزارش گمان‌شکن]، به این مفهوم به‌منزله‌ی یک از آموزه‌ها اشاره کرده، آموزه‌ای که دکترین زرتشتی را به تفکیک از مفاهیم مانویان منفور شکل داده، مانویانی که به گفته‌ی این نویسنده، نیروی شر یا اهریمن خاص خود را نه با پس‌دانشی بل با توانایی پیش‌بینی سرشت‌نمایی کرده‌اند.^۲

سرچشمه‌ی دانش

گرچه، به موازات متن‌هایی که نگرشی صراحتاً منفی درباره‌ی قوای ذهنی شیطان ارائه می‌دهند، شرح‌هایی نیز وجود دارند که تصویری از یک اهریمن متفاوت را پیش روی ما می‌گذارند.

احتمالاً بازگوشده‌ترین سنت در این مورد اسطوره‌ای درباره‌ی مشارکت اهریمن در آفرینش نور و روشنایی است، که دو نویسنده‌ی مسیحیت آغازین آن را بازگو کرده‌اند: یزینیک کُلبی، نویسنده‌ی ارمنی سده‌ی ۵ میلادی و یک نویسنده‌ی ناشناس سوری در گزارش کوتاهی^۳ که به محکمه‌ی زرتشتی سده‌ی پنجمی تقدیم شده که در آن دو دگرگیش ایرانی گرویده به مسیحیت محاکمه شده بودند.

بنا به این نویسندگان، هم‌دوره‌های زرتشتی ایشان باور داشته‌اند که اهریمن به هم‌پیمان‌های دیوگون خود آموخت که خداوند که با درماندگی می‌کوشید نور یا روشنی را پدید آورد، به‌سادگی توانست با اجرای کردار شایسته‌ی خویدوده با مادر و خواهرش خورشید و ماه را بسازد:

یزینیک کُلبی (۱۸۷): گویند وقتی او (اهریمن) دانست که ارمیز [هرمزد] آفریدگانی زیبا پدید آورده، و نمی‌داند چگونه روشنایی بیافریند، با دیوان رای‌زنی کرد. او (اهریمن) گفت: «به چه کار آید ارمیز [هرمزد] که به چنین شیوه آفریدگانی زیبا پدید آورده، لیک این آفریدگان در تاریکی مانده‌اند، زیرا او [هرمزد] نمی‌داند چگونه نور آفریند؟ لیک اگر او هوشمند باشد، به مادرش وارد شود و به‌زودی خورشیدی آنجا باشد. و او با خواهرش رابطه گیرد و آنگاه ماه زاده شود.»^۴

نویسنده‌ی ناشناس سوری: یا شاید در پی رضایت اهریمن باشیم، که بنا به گفته‌های شما، از خلال آثارش خردمند، دانا، و بسیار نیرومند به نظر می‌رسد، در حالی که هرمیزد [هرمزد] سست و نابخرده به نظر می‌رسد، زیرا او کاملاً ناتوان از آفرینش بود تا اینکه از پیروان اهریمن آموخت؟ زیرا او به گفته‌ی شما، وقتی جهان را آفرید، آن را به تاریکی و انهدا تا اینکه از شاگردان اهریمن آموخت. تنها پس از آن بود که او روشنی یا نور را آفرید. و وقتی هرمیزد [هرمزد] تنها یک‌بار با مادرش خفت، خورشید، که بس درخشان است، زاده شد.^۵

دیگر برهان آشنایی اهریمن با قدرت معنوی کردارهای شایسته به‌وسیله‌ی سنتی فراهم می‌آید که مشتمل بر رساله‌های پهلوی چون «متن‌های مکمل شایست نشایست» است. در این نوشته، اهریمن به دیو مورد اعتمادش، دیو خشم، می‌آموزد که چطور سود معنوی که مردم از مشارکت در جشن گاهنبار [گاهامبار]^۶ و اجرای آیین میزد^۷ به دست می‌آورند را نابود کند، و خویدوده‌شان را به تباهی و تخریب کشاند:

^۱ *Mardān-farrox ī Ohrmazddādān*

^۲ Cf. ŠGW 16.23, ed. de Menasce 1945, 252-253; for a more detailed discussion of ŠGW 16 see Sundermann 2001.

^۳ تئودور نولدکه (۱۸۹۳) که این گزارش را ترجمه و تاریخ‌گذاری کرده، چنین‌اش نام نهاده: «کنش‌های آدورهرمزد و آناهید».

^۴ Ed. Mariès, Mercier, 1959, 62-63; translation Blanchard, Darling Young 1998, 117-118.

^۵ Ed. Bedjan 1891, 578; translation Nöldeke 1893, 36.

^۶ Gāhāmbār

^۷ Mēzd

متن مکمل شایست نشایست: (۱) در اوستا (دین) گفته شده که خشم پیش اهریمن شتافت و غرید: «من به گیتی اندر نشوم زیرا خدای هرمزد سه چیز در جهان آفریده که من به هیچ رو نتوانم درباره‌شان کاری کنم.» (۲) اهریمن غرید: «بگو، چیستند این سه چیز!» (۳) خشم غرید: «جشن گاهنبار، آیین میزد و خویوده!» (۴) اهریمن غرید: «در جشن گاهنبار رخنه کنید! اگر کسی در میان ایشان (= مردمی که گاهنبار را جشن می‌گیرند) چیزی بدزد، گاهنبار ویران شود، و کار به کام شما خواهد شد. در جشن میزد حاضر باشید! اگر کسی در میان ایشان (= مردمی که این جشن را برگزار می‌کنند) پرگویی کند، آیین میزد بی اعتبار می‌شود، و کار به کام شما خواهد شد. (۵) لیک خویوده را وانهید، زیرا که هیچ چاره‌ای برایش نشناسم؛ زیرا [در چنین زناشویی] هر که چهار بار سوی همسرش شد، هرگز از پیوند با هرمزد و ایزدان جدا نشود.»^۱

چنانکه به یاد داریم، ارزش معنوی موجودیت‌های دینی، چون خویوده، موضوع پرسش‌های آخت از اهریمن نیز بود. افزون بر این، وجه دیگری وجود دارد که در آن، اسطوره‌ی آفرینش نور نزد نویسندگان مسیحی و بخشی مربوط به دیو خشم، هر دو با مادیان یوشت فریان اشتراک دارند: تصویرشان از اهریمن آشکارا از انگاره‌ی سنتی این نادانی [نادانی اهریمن] پشتیبانی نمی‌کند. کاملاً برعکس، هر سه‌ی این سنت‌ها به این واقعیت گواهی می‌دهند که بدین اندیشه بوده‌اند که اهریمن از موهبت بینش شگفت‌اندر شیوه‌های آفرینش نیک برخوردار است.

در مورد سرچشمه‌ی دانش اهریمن، نه بخشی مربوط به دیو خشم و نه مادیان یوشت فریان هیچ توضیحی نمی‌دهند. به نظر می‌رسد که نویسندگان مسیحی پیش‌گفته این بینش را یکی از ویژگی‌های درون‌زاد اهریمن می‌انگارند، چه اینان به اسطوره‌ی آفرینش نور به‌منزله‌ی گواهی برای تمایلات هم‌دوره‌های ایرانی‌شان به شیطان‌پرستی استناد کرده‌اند.^۲ هرچند، در بستر زرتشتی، که منابع پهلوی نقل‌شده آشکارا به آن تعلق دارند، این فرض که شیطان یا شر می‌تواند بنا به ماهیت‌اش به اندازه‌ی خداوند یا حتا بیش از او دانا باشد، کاملاً غیرقابل دفاع است.

توضیح کافی‌تر، و همانقدر نظرگیر، درباره‌ی دانش اهریمن را می‌توان از منبعی به زبان عربی دریافت که در رساله‌ای با نام کتاب الملل و النهل نوشته‌ی عبدالکریم شهرستانی نویسنده‌ی نامور ایرانی [خراسانی] سده‌ی ۱۲ میلادی درباره‌ی باورهای دینی ایرانی آمده است. این شرح پژوهشگر مسلمان و ایرانی دیگری به نام جیهانی [برخاسته از فرارود]^۳ استناد می‌کند، و به موضوع دکترین زرتشتی می‌پردازد. شائول شاکد (۱۹۹۴؛ ۶۴، ۸۱)، که این اثر را ترجمه کرده و بر آن تحشیه نوشته است، گزارش جیهانی را نوعی گردآوری یا تدوین می‌داند، که ریشه در متن زند زرتشتی دارد که خود تفسیری پهلوی از اوستا است.

جیهانی در میان انبوه ماده‌خام‌های اغلب ناآشنا از منابع پهلوی باقی‌مانده، سندی نادر ارائه می‌دهد که شامل سیاهه‌ای از ۱۸ شرط قرارداد یا پیمان‌بستن است، و گفته‌اند که اینها شروط یا شرایطی بوده‌اند که تحت آن‌ها اهریمن پیمان تقسیم قدرت را که هرمزد پیشنهاد داده بود پذیرفت. شرط یازدهم این پیمان تصریح می‌کند که:

جیهانی ۱۱: [...] او (اهریمن) می‌باید دارای قسمی عقل و بصر باشد که در آفریدگان خداوند هست، چنانکه آفریدگان او باید مسیرهای منجر به سود و زیان بدانند.^۴

^۱ MP transliteration and transcription in Kotwal 1969, 76-77; a close thematic parallel in PRDd.56.13-16, see also the translation of PRDd. 56.13-16 in Sundermann 2008, 158-159.

^۲ نویسنده‌ی ناشناس سوری فهرست قهرمان مسیحی‌اش درباره‌ی کردارهای سودمند منتسب به اهریمن (از جمله مشارکت اهریمن در آفرینش نور یا روشنایی) را با این گفته‌ی مطایبه‌آمیز خطاب به داور ناظر زرتشتی پایان می‌دهد: «پس چنانکه از واقعیات پیداست، در خور ما این باشد که شیطان توانا و دانا را فرمان بریم، نه هرمزد نابخرد و سست را.» (Ed. Bedjan, ۱۸۹۳, ۳۷; translation from Nöldeke ۱۸۹۳, ۳۷). درباره‌ی منابع ترسای ارمنی (از جمله یزینک اهل گلب) که شیطان‌ستایی فرضی زرتشتی را ریشخند می‌کنند بنگرید به راسل ۱۹۸۷، ۴۴۰.

^۳ On *al-Jayhānī* see Pellat 2004, 265-266.

^۴ Translation Shaked 1994b, 71; Arabic quotes from de Menasce 1954, 57.

در بستر پژوهش ما، این گفته اشاره دارد که اهریمن فهم کامل خود درباره‌ی ارزش معنویِ موجودیت‌های دینی را مستقیماً از خود هرمزد دریافت کرده است. هرچقدر هم که این ایده درباره‌ی انتقال دانش کیهانی [از هرمزد به اهریمن] گیج‌کننده به نظر برسد اما با اینهمه انگاره‌ی یک اهریمن کاملاً آگاه را در دکتترین زرتشتی می‌گنجاند، و آشکارا ماهیت ثانوی یا فرعی و مشتق‌شده‌ی بینش اهریمن را نشان می‌دهد و با این کار، بار دیگر بر جایگاه فروتر اهریمن در نسبت با خدا [یا هرمزد] صحنه می‌گذارد.

بینش دینی و پایان زمان

یک ارجاع دیگر به بینش اهریمن و زمانی که زمانی که تحت تملک او آمد در نوشته‌ای پهلوی به نام دادستان مینوی خرد وجود دارد:

دادستان مینوی خرد ۲۹ (۶-۹): در دوره‌ی آفرینش بنیادی (بندیه‌سنیه) مردمان چنان بینش‌مند بودند که وقتی کرداری نیک می‌کردند یا مرتکب گناهی می‌شدند، پاداش آن نیک‌کرداری یا پادافره آن گناه را با چشم [درونی] خود می‌دیدند (۹-۱۰). و در آن زمان هیچ گناهی از مردمان سر نمی‌زد. (۱۰-۱۲) لیک سپس اهریمن تبهکار پاداش نیک‌کرداری و پادافره بدکنشی را از دیدگان مردمان نهفت. (۱۲-۱۵) و دقیقاً به همین روی، در اوستا (دین) گفته شده: «از همه‌گونه گزند که از اهریمن دروند نفرین‌شده به آفرینش هرمزد رسید، چهار گزند بدتر و ناگوارتر بودند: نهفتن پاداش نیکوکاری و پادافره بدکاری، نهفتن نیت مردمان و فرجام کار جهان.»^۱

این نظرگاه که از زمان پایان دوره‌ی آفرینش نخستین اهریمن توان دیدن پیامدهای کردارها را از چشم مردمان پنهان کرد همخوانی کاملی دارد با آنچه در منابع پیش‌گفته آمده است: گاهشماری رویدادهای بازتاب‌یافته در لحظه‌ای از زمان که اهریمن شروع به عملی کردن نقش خود در پیمان تقسیم قدرت کرد^۲، و سزای کنش‌های نیک و بد، دانشی درباره‌ی ارزش معنوی یا مینوی این کنش‌ها را پیش‌فرض می‌گیرند که باید تحقق یابد.

افزون بر اینها، نقطه‌ی شاخص دیگری نیز وجود دارد: دادستان مینوی خرد ۲۹. ۱۲-۱۵ نقل قولی از نوشته‌های سپنتای زرتشتی (دین) در اختیارمان می‌گذارد که اعلام می‌کنند که نهفتن این دانش از نوع بشر در زمره‌ی بزرگترین گزندهای اهریمن بود که بر سر آفرینش هرمزد آمد. سطح بالای آسیبی که از امتناع اهریمن در به‌اشتراک گذاشتن بینش‌اش با بشر پدید آمد با اهمیت بسیاری که به دانش در دکتترین زرتشتی داده شده تناسب دارد. مردمان، با اینکه در ساحت نیک زاده شده‌اند، لیک این امکان بدیشان داده شده تا خود برگزینند که به تعلق دارند، به یزدان یا به نیروهای اهریمنی. گزینش مردمان به وسیله‌ی اندیشه‌شان، گفتار و کردارشان، بنا بر اصول بهدینی یا علیه این اصول بروز می‌یابد. هر گونه راست‌اندیشی، هر گونه راست‌گفتاری و راست‌کرداری، بر بخت شخص باورمند برای رسیدن به بهشت پس از مرگ می‌افزاید و به موازات این موضوع، او را در دست‌یابی تدریجی به رستگاری جمعی بشریت در پایان زمان سهیم می‌کند و مشارکت می‌دهد. برای آن‌که کردارهای شخص به‌راستی درست انگاشته شوند این کردارها باید با آگاهی از سود مینوی‌شان انجام شوند.^۳ در جهان زرتشتی، مردمان برای رسیدن به این حالت آگاهی نیاز به بینش دینی دارند، که این مهم در ادراک زرتشتی از داشتن دانش جدایی‌ناپذیر است، دانشی که در شکل بهدینی در دسترس بشر قرار گرفته است. از اینرو، دانش دینی پیش‌شرط ضروری برای فرشگرد است، و فرشگرد یعنی کنش رستگاری نهایی در پایان زمان. اینکه چگونه دانش دینی به فرشگرد راه می‌برد، به‌تمامی با زنجیره‌ای علی-معلولی، در کتاب ششم دینکرد پهلوی شرح داده شده است:

^۱ MP transliteration in Čunakova 1997, 46; for DMX 29.12-15 see also ed. Sanjana 1895, 28 (14.8-10).

^۲ گرچه این پیمان به‌خودی‌خود در سرآغاز آفرینش آغازی یا بنیادی پدید آمده بود، اهریمن تنها وقتی می‌توانست دست به کار شود که این دوره‌ی کیهانی پیشتر پایان یافته بوده باشد، زیرا بلافاصله پس از آنکه دو طرف بر سر این قرارداد به توافق رسیدند هرمزد نیایش آهونور را خواند و دشمن‌اش را به یک گیجی [رخوت، منگی] ۳۰۰۰ هزار ساله فرستاد، نک. Kreyenbroek, ۱۹۹۳.

^۳ در این بستر جالب است اشاره شود که بنا بر روایت اسطوره‌ی آفرینش نور محفوظ در گزارش نویسنده‌ی گمنام سوری، خداوند پیشاپیش بارها به خویدوده با مادرش پرداخت، لیک تنها وقتی از سودمندی بالقوه‌ی این کردار آگاه گشت، خورشید و دیگر اجرام سودمند توانستند پدید آیند. نک. نولدکه، ۱۸۹۳، ۳۶ (ed. Bedjdan, ۱۸۹۱).

دینکرد ششم CV۵: شناخت دین^۱ سبب توجه به سخن سپنتا می‌شود، توجه به سخن سپنتا سبب افزایش کاربست عملی دین و افزایش پرستش ایزدان می‌شود، و افزایش کاربست عملی دین و افزایش پرستش ایزدان سبب زدودن دیوان از جهان می‌شود، و دیوزدایی جهان نیز سبب انوشکی [بی‌مرگی]، فرشگرد، و رستاخیز می‌شود.^۲

همچون آنچه در مادیان یوشت فریان ۳۸۵-۳۸۷ آمده، در این فراز نیز رویدادهای فرجام زمان چنان توصیف شده‌اند که از ناپدیدشدن دیوان از پهنه‌ی جهان خبر می‌دهند. این تصویر تقریباً شاعرانه مبتنی بر این مفهوم زرتشتی است که شر صورت تنانه‌ای از آن خود ندارد. به خاطر این کاستی است که شر تنها می‌تواند به شیوه‌ای غیرمستقیم رویاروی آفرینش نیک بایستد، آن هم از طریق رخنه در مردمانی که به‌طور آگاهانه به خاطر ساحت نیکی دست به انتخاب نزده‌اند. وقتی مردمان طرف هر مزد را بگیرند، شر نیز از تن مردمان برون رانده می‌شود و باید در پی جای دیگری برای ماندن برود.^۳

در نوشته‌های زرتشتی خروج انبوه دیوان از جهان معمولاً در اثر کنش‌هایی صورت می‌گیرد که به فیگورهای دینی بسیار مقتدر نسبت داده می‌شوند، برای نمونه پیامبر زرتشت، و سوشیانس که رهایی‌بخش نهایی بشر به شمار می‌رود.^۴ اینکه دورشدن از شر و رویدادهای پایان زمان بستگی به چیزی داشته باشند که نه از دین مردان بل از اهریمن نشأت گیرد، همچون آنچه در مادیان یوشت فریان می‌بینیم، موردی بس نادر است. وانگهی، این ایده، وقتی پذیرفته شده باشد، ما را به این فهم شگفت‌انگیز می‌رساند که اهریمن با انتخاب اینکه انتشار دانش تحت اختیار خود را سرعت بخشد یا به تاخیر اندازد در جایگاه تأثیرگذاری بر پیدایش فرشگرد قرار می‌گیرد.

تردیدی نیست که چنین مفهومی، اگرچه عجیب به نظر می‌رسد، با این حال در چارچوب دوگانه‌باوری زرتشتی جا می‌افتد و با آن همخوانی دارد. این مفهوم را می‌توان چون تصویر آینده‌ای سلبی کنش‌هایی توضیح داد که به‌وسیله‌ی هر مزد نیک‌خدای عملی شده‌اند، همو که گسترش دانش برای نیل به فرشگرد را تداوم می‌بخشد، در حالی که دشمن شرورش یعنی اهریمن از انتشار دانش خودداری می‌کند تا رستگاری نهایی بشر را به تاخیر اندازد. اما آیا انگاره‌ی مربوط به نقش فعال اهریمن در ایجاد فرشگرد واقعاً بازتاب اندیشه‌ی زرتشتی موجود است، یا باید آن را چون محصول یکتای تخیل ادبی نویسنده‌ی مادیان یوشت فریان در نظر گرفت؟

در پاسخ به این پرسش دو نظیر مفهومی پیشنهاد شده که در سیاهه‌ی پیش‌گفته‌ی جیهانی درباره‌ی شروط اهریمن برای پیمان تقسیم قدرت آمده است. طرز بیان سیزدهمین قید و شرط مستلزم وجود پیوندی بین بینش دینی پنهان‌شده از سوی اهریمن و پیدایش فرشگرد است:

جیهانی. ۱۳ [...] باید نهان از مردمان باشد دانش مربوط به سزای درستکاری و زشت‌کاری تا روز رستاخیز و داوری.

این درحالی است که تأثیر بالقوه‌ی اهریمن بر رویدادهای پایان زمان [آخرالزمان] به‌وسیله‌ی هجدهمین قید و شرط تأیید می‌شود، که چیرگی بر سوشیانس را به اهریمن می‌دهد:

^۱ šnāsīh ī dēn

^۲ MP transcription in Shaked 1979, 170.

نظیری مضمونی در دینکرد ششم C۴۹ وجود دارد که با طردشدن یا رانده‌شدن دیوان به پایان می‌رسد: «از آموزش خوب فرزانی خوب پدید می‌آید، از فرزانی خوب عادت خوب پدید می‌آید، از عادت خوب شخصیت خوب، و از شخصیت خوب کردار خوب، و از کردار خوب است که دیوان از این جهان رانده می‌شوند.» (MP transcription in Shaked ۱۹۷۹, ۱۶۲)

^۳ برای مطالعه‌ی بحثی مفصل‌تر درباره‌ی مفهوم زرتشتی «یک وجود اهریمنی یا شرورانه‌ی منحصر معنوی یا مینوی»، بنگرید به Shaked 1967; 1969, 194f.

^۴ درباره‌ی جدایی نیروهای شر یا اهریمنی از نوع بشر در نتیجه‌ی کنش‌های منسوب به زرتشت و/یا سوشیانس برای نمونه بنگرید به:

Y. 9.14-15, Yt. 19.80-81, WZ 34.47-48, ZWY 3.23; on other 'separators' see ZWY 7.32-33 (god *Mihr*), ZWY ۳, ۲۴ (*Wahman ī Spandiyādā*, identified by ZWY's editor Cereti ۱۹۹۰, ۱۸۴, ۱۷۳ with Artaxerxes I), ZWY 3.27 (the Sasanian king *Wahrām Gōr*).

جیهانی ۱۸. [...] تا روز رستاخیز او (= اهریمن) باید چیرگی داشته باشد بر اویی که مردگان را جان می‌بخشد، زندگی جاودان به نیکان می‌بخشد، و بدان را پادافره می‌دهد.^۱

دانشمند اما محکوم

بنا به بندهای ۱۳ و ۱۸ جیهانی می‌توان اینطور نتیجه‌گیری نهایی کرد که همه‌ی ایده‌هایی که در بندهای ۳۸۴-۳۹۳ مادیان یوستِ فریان بیان یا اشاره شده‌اند می‌بایست بخشی از دکتَرینِ زرتشتی بوده باشند که در زمانه‌ی نگارشِ این داستان جریان داشته و موجود بوده‌اند. به دیگر گپ، در حدودِ سده‌ی ۹ میلادی^۲ شماری از اعضای جامعه‌ی زرتشتی وجود داشتند که هوادارِ چنین ایده‌هایی بودند: اهریمن درباره‌ی ارزش‌های کانونی بهدینی زرتشتی ینش یا بصیرت دارد (مادیان یوستِ فریان ۳۸۴-۳۹۳، پیوستِ شایستِ نشایست ۴-۵، جیهانی ۱۱). اهریمن این دانش را از ایزد هرمزد دریافت کرده است (جیهانی ۱۱) و از زمانی پس از پایانِ آفرینشِ بنیادی یا آغازین [بندهشن] بهر مقاصد شرورانه‌ی خاص خودش از این دانش سوءاستفاده می‌کند (دایستان مینوی خرد ۶-۱۲). اهریمن دانشش را با هم‌پیمانانِ دیواسای خود به اشتراک می‌گذارد (پیوستِ شایستِ نشایست ۴-۵)، لیک آن دانش را از انسان‌ها مخفی می‌کند (مادیان یوستِ فریان ۳۸۴-۳۹۳، دایستان مینوی خرد ۲۹-۱۵، جیهانی ۱۳). اهریمن با نهفتنِ این دانش از نوع بشر گزندِ شدید را موجب می‌شود زیرا او مردمان را از تواناییِ به‌گزینی یا انتخابِ درست محروم می‌کند (دایستان مینوی خرد ۲۹-۱۲، وانگهی، تملکِ اهریمن بر این دانش او را به تاثیرگذاری بر پیدایشِ فرشگرد توانا می‌کند (مادیان یوستِ فریان ۳۹۱-۳۹۳، و احتمالاً جیهانی ۱۸).

در منابعِ در دسترس هیچ سرنخی در این باره وجود ندارد که این مجموعه باورها می‌توانند به انگاره‌ی سنتی نادانیِ اهریمن مرتبط باشند. نظر به گوناگونیِ مفاهیمِ دینی که در چارچوبِ آموزه‌های زرتشتی اواخر دوران ساسانی و نیز در روزگار پس‌اساسانی جایز شمرده شده‌اند، بخت مساعدی وجود دارد که هر دوی این استنباط‌ها در کنار هم وجود داشته‌اند.^۳

از دیگرسو، می‌توان این نکته را نیز در نظر گرفت: دانشِ اهریمن در اصل دانشِ خودِ او نیست، بل دانشی است ماهیتاً فرعی یا ثانوی و اشتقاقی، و در نتیجه، ارزشِ تاثیرگذاری او بر پیدایشِ فرشگرد نیز جای چون‌وچرا دارد، زیرا به نظر می‌رسد که به تاخیرانداختنِ فرشگرد به‌وسیله‌ی چارچوبِ زمانیِ دقیقِ پیمانِ تقسیمِ قدرت کنار گذاشته شده است^۴، و تسریعِ پیدایشِ فرشگرد نیز چنانکه در مثالِ مادیانِ یوستِ فریان دیدیم، آشکارا موردِ علاقه‌ی اهریمن نیست. از این‌رو، گرچه در سطحِ کیهانی، برخورداریِ اهریمن از بینشِ مینوی می‌تواند به او برتری موقتی در نبرد با هرمزد بدهد - و نیز بر روی زمین، پنهان‌کاری او به‌وسیله‌ی نیروهای شر می‌تواند بهانه‌ی آسانی برای نداشتنِ تعهد دینی در میان زرتشتیان معمولی باشد - لیک اهریمن به هیچ روشی نمی‌تواند از دانشش برای پیروزی در نبرد واپسین استفاده کند. از همان لحظه‌ای که اهریمن نابخردانه با پیشنهادِ هرمزد برای محدودکردنِ قرار یا پیمان‌شان به ۹۰۰۰ سال موافقت می‌کند، در دام زمان به تله می‌افتد و هیچ چیز نمی‌تواند به او در جلوگیری از شکستِ نهایی‌اش کمک کند، حتا بینش او در مورد شیوه‌های آفرینش نیک نیز کاری از پیش نمی‌برد. با وجودِ همه‌ی این‌ها، شاید تصویر سنتی درباره‌ی «اهریمنِ نادان» آنقدرها هم نادرست نباشد؟

^۱ Translation of Jay. 13 and Jay. 18 from Shaked 1994b, 71, 72; cf. also de Menasce 1954, 57, 58.

^۲ و شاید بسیار پیشتر، اگر در شمار آوریم آنچه در منابعِ ترسای سده‌ی پنجم در میان شواهد مربوطه آمده است. افزون بر این، باید در نظر گرفت که بیشترِ آثار ادب و نوشتار فارسی میانه واپسین نسخه‌هایی هستند که در روند انتقالِ شفاهی و/یا مکتوب طی دورانی بس دراز تکوین یافتند؛ در آن بستر، بنگرید برای نمونه به ارجاع‌ها به واژه‌ی دین [dēn]. «اوستا، نوشته‌های سینتا»، در تکمله یا پیوستِ شایستِ نشایست ۱۸ و دایستان مینوی خرد ۲۹-۱۲. به فرجام، این آثار بیش از هر چیز سنت‌هایی را حفظ می‌کنند که برآمدن‌شان به‌طرزی معنادار از حیثِ زمانی پیش از زمان نگارشِ واقعی متن برجای مانده است.

^۳ درباره‌ی مفاهیمِ گوناگونِ دینی جاری در جامعه‌ی زرتشتی طی آن دوره بنگرید به ۱۹۸۷a, ۲۵۲; ۱۹۹۴a, ۵۲; ۱۹۶۹, ۲۰۰; ۱۹۹۴a, ۲۰. Shaked

^۴ جالب آنکه در زند و همن یسن ۳۲.۷ پیش‌بینی شده که به خاطر نوآوری‌های نیروهای اهریمنی، آن بازه‌ی زمانی ۹۰۰۰ ساله‌ی پیمانِ تقسیمِ قدرت سرانجام پس از ۱۰۰۰ سال زیر پا گذاشته خواهد شد.

- Abrahamian, R. (1958) *Artavirap Namak*, Jušti Friar, Erevan 1958.
- Bedjan, P. (1891), *Acta Martyrum et Sanctorum*, tomus 2, Paris-Leipzig.
- Bidez, J., Cumont, F. (2007), *Les mages hellénisés*, Paris (First edition: Paris 1938).
- Blanchard, M.J.; Darling Young, R. (1998), *A Treatise on God Written in Armenian by Eznik of Kołb. An English Translation with Introduction and Notes*, Peeters.
- Cantera, A. (2004) *Studien zur Pahlavi-Übersetzung des Avesta* (Iranica 7), Wiesbaden.
- Cantera, A; Andrés Toledo, M. A. (2006) "Los acertijos indoiranios: Cuestiones de vida o muerte (II), El Mādayān ī Yōšt ī Friyān", *Aula Orientalis -Supplementa* 22: 69-108.
- Cereti, C. G. (1995) *The Zand ī Wahman Yasn. A Zoroastrian Apocalypse* (Seria Orientale Roma 75), Roma.
- Cereti, C.G.; MacKenzie, D. N. (2003) "Except by Battle: Zoroastrian Cosmogony in the 1st Chapter of the Greater Bundahišn", C.G. Cereti, M. Maggi, E. Provasi (eds.) *Religious themes and texts of pre-Islamic Iran and Central Asia* (Beiträge zur Iranistik 4), Wiesbaden 2003: 31-59.
- Čunakova O. M. (1991) *Izvedat' dorogi i puti pravednykh. Pekhlevijskie nazidatel'nye teksty. Vvedenie, transkripcia tekstov, perevod, komentarij, glossarij u ukazateli*, Moskva.
- Čunakova, O. M. (1997), *Zoroastrijskie teksty* (Pamjatniki pismennosti vostoka 114), Moskva.
- Darmesteter (1877) *Ohrmazd et Ahriman, leurs origines et leur histoire*, Paris. (Bibliothèque de l'École des Hautes Études. Sciences Philologiques et Historiques. Vingt-Neuvième Fascicule).
- Dhabhar, E. B. N. (1927) *Zand-i Khūrtak Avistāk* (Pahlavi text Series 3), Bombay.
- Dhabhar, E. B. N. (1963) *Translation of Zand-i Khūrtak Avistāk*, Bombay.
- Duchesne-Guillemin, J. (1984) "Ahriman", *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition, First published 15 December 1984, Last updated 28 July 2011, available at www.iranicaonline.org/articles/ahriman.
- de Jong, A. (1997) *Traditions of the Magi. Zoroastrianism in Greek and Latin Literature*, Leiden.
- Gignoux, Ph; Tafazzoli, A. (1993) *Anthologie de Zādspram. Édition critique du texte Pehlevi traduit et commenté* (Studia Iranica 13), Paris.
- Geybi, B. (1988) *Dāstān-e Yōiš-t-e Friyān*, Bielefeld.
- Haug, M.; West, E.W. (1872) *The Book of Ardâ Virâf. The Pahlavi Text prepared by Destur Hoshangji Jamaspji Asa, revised and collated with further MSS., with an English translation, and an appendix containing the texts and translations of the Gōsht-i Fryânô, and Hadôkht-Nask*, Bombay/London: 205-265.
- Haug, M.; West, E. W. (1874) *Glossary and Index of the Pahlavi Texts of the Book of Ardâ Virâf, the Tale of Gosht-i Fryano, Gōsht-i Fryânô, Hadôkht-Nask ... prepared from d. H. Jamaspji Asa's Glossary to Ardâ Virâf Nâmag, and from the Original Texts, with Notes on Pahlavi Grammar by E. W. West, revised by M. Haug*, Bombay-London.
- Ja 'farī, M. (1987) *Mātikān-e Yōšt-e Friyān*, Tehrān. JamaspAsa, K.M.; Humbach, H. (1971) *Pursišnihā. A Zoroastrian Catechism*, Wiesbaden. Klingenschmitt, G. (1968), *Farhang-i ōīm. Edition und Kommentar, Inaugural-Dissertation der Philosophischen Fakultät der Friedrich-Alexander-Universität (Mss.)*, Erlangen-Nürnberg.
- Kotwal, F. (1969), *The Supplementary Texts to the Šāyest nē Šāyest*, København (Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskab, Historiskfilosofiske Meddelelser 44, 2).
- Kreyenbroek, G. (1993) "Cosmogony and Cosmology 1. In Zoroastrianism/Mazdaism", *Encyclopaedia Iranica*, Online Edition, 15 December 1993, available at www.iranicaonline.org/articles/cosmogony-i.
- Kreyenbroek, G. (2002) "Millennialism and Eschatology in the Zoroastrian Tradition", A. Amanat, M. Bernhardsson (ed.) *Imagining the End: Visions of Apocalypse from the Ancient Middle East to Modern America*, London-New York: 33-55.
- MacKenzie, D. N. (1971), *A Concise Pahlavi Dictionary*, London.
- Madan, D. M. (1911) *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*, 2 vols., Bombay.
- Mariès, L.; Mercier, Ch. (1959) *Eznik de Kołb, De Deo. Édition critique du texte arménien*, Paris [New edition: Brepols].
- de Menasce, P. J (1945), *Škand Gumānīg Vičār. Une apologétique mazdéenne du IXe siècle*, Fribourg en Suisse (Collectanea Friburgensia, Nouvelle Série, Fascicule 30).

- de Menasce, P. J. (1954), „Le témoignage de Jayhānī sur le mazdéisme", *Donum natalicium H.S. Nyberg oblatum*, Uppsala: 50-59.
- Nöldeke, Th. (1893), „Syrische Polemik gegen die persische Religion", *Festgruß an Rudolph von Roth*, Stuttgart, 1893: 34-38.
- Pellat, Ch. (2004), "al-Djayhānī", *The Encyclopaedia of Islam*, New Edition, vol. 12 (Supplement), 2004, Leiden: 265-266.
- Russell, J. R. (1987), *Zoroastrianism in Armenia*, Cambridge, Mass.
- Sanjana, D. D. P. (1895) *The Dīnā ī Maīnū ī Khrat, or Religious Decisions of the Spirit of Wisdom*, Bombay.
- Shaked, Sh. (1967), "Some Notes on Ahreman, the Evil Spirit, and his Creation", *Studies in Mysticism and Religion*, Jerusalem.
- Shaked, Sh. (1969) "Esoteric Trends in Zoroastrianism", *Proceedings of the Israel Academy of Science and Humanities* 3, Jerusalem: 175-221.
- Shaked, Sh. (1979) *The Wisdom of the Sasanian Sages (Dēnkard VI) by Aturpāt ī Ēmētān*, Colorado (Persian Heritage Series 34).
- Shaked, Sh. (1987a) "First man First King: Notes on Semitic-Iranian Syncretism and Iranian Mythological Transformations", S. Shaked, D. Shulman and G. G. Stroumsa (eds.) *Gilgul. Essays on Transformation, Revolution and Permanence in the History of Religions Dedicated to R.J. Zwi Werblowsky*, Leiden: 238-256.
- Shaked, Sh. (1987b) "Paymān: an Iranian idea in contact with Greek thought and Islam", *Transition Periods in Iranian History. Actes du Symposium de Fribourg-en-Brisgau (22-24 Mai 1985)*, Paris: 217-240 (*Studia Iranica* 5).
- Shaked, Sh. (1994a) *Dualism in Transformation. Varieties of Religion in Sasanian Iran*, London.



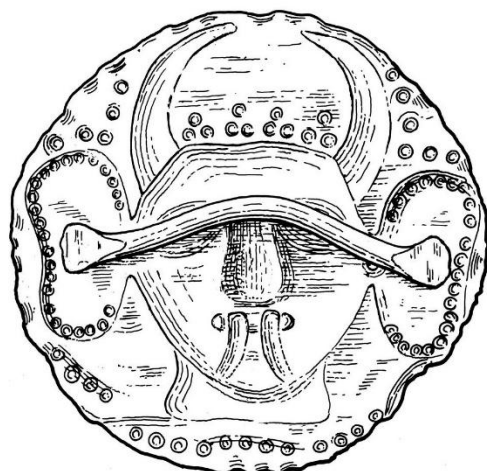
Source: Matthias Weinreich, 'No Help for Evil Axt: Ahriman's Image and the Advent of Frašagird in the Story of Jōišť ī Friyān' in *Orientalia* 13 (2011), Yerevan (Department of Iranian Studies)



تصویرها: یک) واژه‌ی واورنه‌نوشته‌ی اهریمن به فارسی میانه، برگرفته از صفحه‌ی گروه «آزیار». دو) صفحه‌ی زرین‌گرد با نقش یک دیو-جادو؛ نقشی گروتسک از رخساری انسان‌ریخت با یک جفت شاخ کُر و دندان‌های نیش خمیده به بیرون و گوش‌های دراز پیل‌گون؛ کشف از تخت‌کواد تاجیکستان؛ بخشی از گنجینه‌ی جیحون [آمودریا] و شاهنشاهی هخامنشی؛ سده‌ی ۴-۵ پیش از میلاد؛ قطر ۴.۱۰ سانتی‌متر؛ وزن ۱۰.۵۰ گرم. نگهداری در باستان‌خانه‌ی بریتانیا (پشت و رو).



0 1 cm



تصویر واپسین: کاسه‌ای سفالی با کاربری افسونگری یا طلسم جادویی؛ ساخت سده‌ی ۶-۸ پیش از میلاد؛ کشف از عراق امروزی؛ قطر ۱۳.۵۰ سانتی‌متر، عمق ۶.۲۰ سانتی‌متر؛ نوشته‌ای به خط آرامی در سطح داخلی اثر وجود دارد: «(۱) به درگاه‌تان دست می‌یازم، ای فرشتگان راز که افسون‌تان در پیشگاه یزدان ارجمند است. بهر نیوشیدن و گوش فرادادن، ای (شما) که نام‌تان بر زبان‌نیاوردنی نیست. اینک زود از من فرمان برید (۲) از زه این افسون، چراکه از شما می‌خواهم ببندید و گل گیرید دهان دُفری پسر مه‌فری را. مگذارید که او رویاروی مه‌لِفا پسر گیوت بایستد...» [بخشی از متن ۵ افسون‌نوشته‌ی پیچان بر گرداگرد رویه‌ی درونی سفالینه]. نگهداری در باستان‌خانه‌ی بریتانیا (بریتیش میوزیم). [فرتورها همه افزوده‌ی فارسی‌گردان‌اند به مقاله].



fold-era.com